

سازمان نو همام

اعضای شورای انسجام امور جوانان غور سال جدید ۱۳۹۴ را به تمام کافه ملت مسلمان افغانستان وبخصوص مردم غور ولایت غور تبریک عرض می‌راند.

- ✓ ماهنامه فریاد غور منتظر مطالب علمی و فرهنگی قلم به داستان عزیز میباشد.
- ✓ ماهنامه فریاد غور در ویرایش مطالب ارسالی دست باز دارد.
- ✓ جز سر مقاله مسئولیت هر نوشته به دوش نویسنده آن میباشد.

اخبار

مژده مژده مژده

اکادمی علمی و آموزشی الحق افتتاح شد :

انچه جامعه و مردم غور اعم از طبقه علمی و آموزشی ، جوانان و بزرگان در انتظارش بودند و نیاز مبرم جامعه غور احساس میشد اکنون افتتاح و عملاً وارد جاده خدمت گردید.

بدون شک افتتاح این اکادمی با ابتکار فرهیخته گان و استادان جوان غور تحول عظیم در راستای علم و دانش در جامعه غور ایجاد خواهد شد .

مژده مژده مژده

بعد از سیزده سال انتظاری مردم غور....

یکی از خواست ها و نیازهای مردم غور در طی سیزده سال متمادی اعمار بند برق بالای دریای هریرود واقع بند گرم آبک پروژه لیچ بود است.که اکنون شاهد افتتاح و گذاشتن سنگ تهادب این بند میباشیم.

این بندبرق به هزینه 15 میلیون دالر توسط شرکت روسی (روس الکتروکنستریکشن کمپنی) قرارداد و در طی 4 الی 5 سال تکمیل و به بهره برداری سپرده خواهد شد. همچنان ظرفیت تولیدی برق این بند چهارونیم میگاوات گفته شده است.



انجیر محمد صابر احمدی

تأمین صلح در افغانستان وابسته به برگشت مهاجرین افغان به کشور است

مقامات وزارت امور خارجه کشور نیز گفته اند تا زمانیکه مهاجران افغان از پاکستان و ایران به کشور برنگردند تأمین صلح در این کشور ناممکن خواهد بود. در حالیکه حکومت افغانستان تلاشهای برای مصالحه با طرفهای مخالف مسلح دولت را شدت بخشیده است من موفقیت این تلاش هارا مشروط به برگشت افغان ها از کشورهای همسایه می دانم.

"عتیق الله عاطفمل معین اداری وزارت خارجه به روز یکشنبه در نشست استجوابیه مشرانو جرگه کشور گفت که حکومت این کشور باید برای حل این معضل اقدامات اساسی را انجام بدهد".

به نظر من تا که مشکل مهاجرین در افغانستان حل نشود مهاجرین سه اعشاریه چهار میلیون ما که در ایران است و سه اعشاریه یک میلیون که در پاکستان است به افغانستان بازگشت نکنند در این کشور صلح نمی آید. یکی از منبع و دلیل قتلار کشور مسأله مهاجرین کشور خواهد بود تا آخر زنده گی، لذا باید میکانیزم ایجاد شود که چطور این معضله حل شود.

و همچنان برای عودت مهاجران کشور از پاکستان، ایران و کشورهای دیگر نیاز به یک کنفرانس جهانی است.

با آنکه از این مورد سو استفاده از مهاجرین کشور در کشورهای ایران و پاکستان نگرانی های بوجود آمده بود، اما وزیر مهاجرین و عودت کننده گان کشور گفت که تلاش ها برای عودت مهاجرین کشور بیشتر شده است. اما تاحال نا معلوم و بی نتیجه مانده است.

در این حال برخی از اعضای مشرانو جرگه نیز میگویند که حکومت افغانستان باید از هر راه ممکن زمینه برگشت مهاجرین کشور را فراهم کند.

"از سوی هم نذیر احمد احمدزی معاون دوم ولسی جرگه کشور به رادیو آزادی گفت که برگشت مهاجرین کشور از کشورهای ایران و پاکستان برای موفقیت پروسه صلح موثر خواهد بود".

بناء ولسی جرگه کشور باید بر حکومت قشار آورده تا برای برگشت مهاجرین کشور سهولت های را به میان آورد.

اگر مهاجران کشور از ایران و پاکستان برگردند بدون شک و تردید در تأمین امنیت با ما و شما پنجا فیصد همکاری کرده میتوانند. از دولت نیز میخواهیم تا در مورد برگشتن مهاجران کشور به کشورشان سهولت هارا ایجاد نماید.

در این حال ما به حکومت وحدت ملی تأکید میکنیم که حکومت در همکاری و هماهنگی با سازمان ملل متحد زمینه را برای بازگشت تدریجی مهاجرین کشور مساعد سازد.

به نظر من تا زمانیکه مهاجرین افغان به کشور برگشت نکنند تلاش های صلح حکومت نیز طوریکه لازم است نتایجی مثبتی در پی نخواهد داشت .

خواست مردم ولایت غور از حکومت وحدت ملی.

ملت و مردم که سالها از این مرز و بوم دفاع کردند و هر نقطه افغانستان را از لحاظ وطن بودن مقدس می شمارند ، در مقابل جان خود می جنگند و نمیگذارند که دست متجاوزین دامن مقدس این خاک را آلوده کند؛ جوانان ولایت غور بیش از بیست هزار نفر به اردوملی، نظم عامه و پولیس، به ولایات: هلمند، ارزگان، قندهار، فراه و دیگر ولایات نا امن کشور ایفای وظیفه میکنند؛ هدف شان آزادی، برابری، آسایش و آرامش مردم افغانستان است. قابل ذکر است که این مردم بصورت سیل آسا، به شوق و ذوق به طرف پروسه انتخابات به پای صندوقهای رأی سرازیر شدند و بطور آگاهانه به کاندیدان مورد نظرشان رأی دادند و آنان را انتخاب کردند و به تمام ولایات کشور نشان دادند که ما همان طوریکه از مرز و بوم کشور خود دفاع میکنیم، رهبر آینده خویش را نیز تعیین نماییم، مردم ولایت غور اضافه از 350000 رأی حقیقی خود را با آن که به تهدیدیهای مرگبار روبه رو بودند؛ شجاعانه به داخل صندوقهای رأی ریختند و همت خود را نشان دادند و به وعده خود عمل نمودند. **ادامه دارد....**



کل محمد طارق

سرمقاله حرف اول!

روشنفکران ، تحصیلکرده گان و فعالین مدنی ولایت غور با مشکلات زیاد دست و پنجه نرم می کنند ، مشکلات که توسط عده سازمان داده می شود ، می خواهم اطمینان دهم که سنگ بنای چالش های موجود فراه راه جوانان و نهاد های مدنی ولایت غور را همان سیاست مداران گذاشته اند که نیت بد آنها هر روز از نسل جوان قربانی می گیرد اما در ظاهر قضیه ؛ پدیده سیاست را تقبیح و به شخصیت سیاستگر اهانت می کنند .

امروزه ؛ فعالین مدنی ولایت غور مسئولیت ها و سیرت جامعه مدنی را گم کرده اند ، غوغا های بی هدف تعداد انگشت شماری به نیابت از جامعه مدنی ، نهاد های مردمی و در کل جامعه غور ؛ اسباب حذف جوانان تحصیلکرده از صحنه را فراهم ساخته است ، درست همین جا است که منتقدین می خواهند پا روی شانه جامعه مدنی مطرود و حذف شده گذاشته و با گذاشتن برچسپ های نادرست به قشر تحصیلکرده و تعلیم یافته ؛ به کاروان بزرگان که سنگ بنای برنامه را گذاشتند تا تحصیلکرده ها و تعلیم یافته ها را از صحنه حذف نمایند ؛ ببینند.

عدم یکدیگر پذیری ، تقابل و مشکل داخلی میان تحصیلکرده های ولایت غور بنیانگذارانی دارد که نباید از نقد نادیده گرفته شود و نباید دست آنها همچنان دراز باقی بماند که هم خیانت کنند و هم به چشم مردم و رسانه ها خاک بزنند ، نباید به باج گیران که لباس فعال مدنی به تن کرده اند اجازه داده شود که بیشتر از این منافع مردم را به بهای اندک به میل خود شان لایلم کنند.

به هدف ادای دین به همین عرصه ، تعداد زیاد نهاد های مدنی و جوانان ولایت غور من حیث مسئولیت خود در برابر مردم و جغرافیای بلای کشیده و ستم دیده ولایت غور لازم دیدند تا شورای را زیر نام (شورای انسجام و هماهنگی جوانان ولایت غور) و جریده ماهوار را زیر نام (فریاد غور) سامان دهند که با اتکا به خداوند (ج) ، با تمسک به سنت حضرت محمد (ص) در روشنایی قوانین نافذ کشور در برابر مردم ولایت غور بویژه نسل جوان ادای مسئولیت شود و بیشتر از این جوانان ما قربانی اهداف شوم دشمنان قسم خورده کشور و ما فیای درونی نگردند و سعی شود که از چند دسته گی جوانان جلوگیری شود ، تمام جوانان و فعالین مدنی ؛ فعالیت های خود را در روشنایی قوانین نافذ کشور تنظیم نمایند و بیشتر از این ؛ نسل جوان قربانی اهداف شوم مافیا نگردند و جلو انعهده افراد که سال ها از نام و هویت نسل جوان استفاده نادرست کرده گرفته شود و دست آنها کوتاه شود که سال ها به خاطر منافع شخصی و مادی خود به قشر تعلیم یافته ، تحصیلکرده و با ایمان این جغرافیای که هم درد دین دارند و هم درد دین و جز دین چیزی دیگری نمی خواهند ؛ بر چسپ زدند و صاحب نان و جایگاه شدند بخشی اهداف و برنامه های شورای انسجام و هماهنگی جوانان ولایت غور این است که جلو آنها که به مردم صادق نیستند ؛ گرفته شود تا بیشتر از این نسل جوان را به تباهی نکشانند.

همچنان شورای انسجام و هماهنگی جوانان ولایت غور در پلان دارد که سعی شود تا بیشتر از این جوانان ولایت غور قربانی مواد مخدر نگردند و در هماهنگی با اداره محلی گراف معتادین پایین آورده شود و سعی شود تا مبتلایان مواد مخدر ؛ دو باره صحتمند و به خدمت خانواده ها و مردم خود قرار گیرند.

شورای انسجام و هماهنگی جوانان ولایت غور می خواهد که در هماهنگی با فعالین حقوق زن ، ارگان های که در عرصه حقوق بشری کار می کنند و اداره محلی ولایت غور از طریق آگاهی دهی و اجرای برنامه های سالم و سازگار با عرف و عنعنات و سنت ها و باور های مردم ؛ گراف خشونت علیه زنان پایین آورده شود .

ادامه خواست مردم از حکومت وحدت ملی

بنا برین از حکومت وحدت ملی نیز خواستار این هستند که به تعهدات خویش پایبند بوده و به وعده های خود عمل نمایند، در غیر آن بی باوری بسیار گسترده در بین این مردم و حکومت ایجاد خواهد شد و وفا به عهد دیگر مفهوم خود را از دست خواهد داد چون ((به نیمه بیضه گرسلمان ستم روا دارد ز نند لشکریانش هزار مرغ به سیخ)) بنا بر این ضرورت اولیه و مهم این مردم قرار ذیل نگاشته می شود:

- 1- اعمار سرک پخته از کابل الی غور و از غور الی هرات که مصافه راه را کم میکند و از دید امنیت نیز برتری دارد.
- 2- اعمار یک بند برق به بالای دریای خروشان هریرود، در منطقه گرم آبک پوزه لیچ که در ده کیلو متری شرق شهر فیروزکوه مرکز ولایت غور قرار دارد و اکثریت مردم این ولایت از این برق مستفید میشوند.
- 3- سهم ساختن مردم غور در حکومت وحدت ملی و جبران کردن حق تلفی سیزده ساله دولت که در قبال این مردم صورت گرفته است.
- 4- اضافه نمودن تشکیلات نیروهای امنیتی در این ولایت، چون نیروهای امنیتی بسیار کم است، مردم ولایت غور خواستار این هستند که یک لیوآح اردوملی و نظم عامه، در ضمن نیروهای پولیس هم زیاد شود، تا نیروهای امنیتی بتوانند امنیت را در این ولایت بهتر تأمین کنند.
- 5- ایجاد یک دانشگاه که دارای چندین دانشکده باشد در این ولایت، مردم ولایت غور از دید اقتصاد در زیر خط فقر قرار دارند، (این دست آورد دولت در طی سیزده سال است) که جوانان ولایت غور از ادامه تحصیل باز مانده اند و اگر دانشگاه در این ولایت ساخته شود جوانان این ولایت هم از نعمت علم و دانش بر خوردار شده و تحصیل خود را ادامه میدهند.
- 6- فرستادن جوانان با استعداد ولایت غور به بورسیه های تحصیلی در خارج از کشور، جوانان این ولایت هم مستحق این امتیاز هستند.
- 7- ایجاد مدارس دینی، در مرکز و ولسوالی های این ولایت که جوانان جهت آموختن علوم دینی، به ایران و پاکستان نروند.

ارسالی: فضل احمد هاشمی

فاز جدید جنگ در افغانستان

جان کمپبل، فرمانده کل نیروهای خارجی در افغانستان، داعش را تهدیدی جدی خواند و اعلام کرد، برای رفع این تهدید و تهدید های برخاسته از فعالیت طالبان، نیاز به ادامه حضور نیروهای امریکائی در این کشور است. او افزود، افغانستان برای چند سال دیگر نیازمند ادامه پشتیبانی نظامی و مالی امریکا و ناتو است. قبل از این، اشنون کارتر وزیر دفاع امریکا نیز گفته بود که در صورت بدتر شدن اوضاع امنیتی، در مورد خروج نظامیان امریکائی از افغانستان تجدید نظر خواهد کرد.



تبصره:

امضاء موافقت نامه امنیتی میان کابل - واشنگتن، در حقیقت نخستین هدف امریکا را در منطقه رؤیای تحقق بخشید. حالا برای رسیدن به سایر اهداف منظوقی باید سناریوهای جدیدی به منصه اجرا در بیاید تا جنگ در افغانستان مطابق به پلان امریکا به پیش برود.

امریکائی ها تلاش دارند تا فاز جدید جنگ را در افغانستان راه اندازی نمایند و برای این کار زمینه سازی ها خاصی را انجام داده اند. از همین رو، این روز ها تبلیغات و پروپاگند هایی شدیدی از سوی رسانه ها مبنی بر حضور داعش در افغانستان و پاکستان جریان دارد، و واضحاً ثابت می سازد که غرب استعمارگر می خواهد تا از این طریق، احساسات مردم را تحریک نموده و با ایجاد فضای ترس و هراس و ارهاب اذهان مردم را منحرف سازد تا بدینوسیله نامنی ها داوم یافته و امریکائی ها بهانه ای برای حضور شان در افغانستان دریابند. هر چند حضور داعش در افغانستان بیشتر از اینکه حضور فزیکتی باشد، جنبه ای رسانه پی دارد.

مقامات امریکائی و شماری زیادی از هوا خواهان شان در دولت وحدت ملی تلاش دارند تا به نحوی از انجا نیروهای خارجی در افغانستان حضور خویش را به بهانه های واهی حفظ نموده تا جنگ دوام پیدا کند. چنانچه اشرف غنی بار ها از خروج کامل نیروهای امریکائی از افغانستان اظهار نگرانی نموده و اذعان کرده بود که باید در مورد خروج این نیروها غور شود. افزون بر این، شماری از مقامات امریکائی نیز خواهان تجدید نظر در مورد تاریخ خروج نیرو های امریکائی هستند. جان کمپبل نیز گفته است: «داعش مفکورهی تندروانه و خطرناک دارد و این گروه برای افغانستان تهدید جدی به شمار می رود، ناتو برای رفع این تهدید ها همکاری خواهد کرد.» حالا اما با به کرسی رسیدن اشنون کارتر وزیر دفاع امریکا این برنامه بسوی عملی شدن در حرکت است.

هر چند، قبل از این دولت امریکا بار ها اعلام کرده بود که در پایان سال 2014م مأموریت نظامی اش را در افغانستان به پایان می رساند، اما با به پایان رسیدن سال 2014م مأموریت نظامی اش را تغییر چهره داده و به مأموریت آموزشی و تربیه و تجهیز نیرو های افغان میل ساخته است. سپس شماری از مقامات نظامی امریکا باز هم اعلام نمودند که در سال 2016م تمام سربازان امریکائی از افغانستان خارج می شوند؛ ولی حالا باز هم مناققت و ریاکاری نموده و اعلام کرده اند نیاز به ادامه حضور نیروهای امریکائی در این کشور است.

از اینرو، امریکا حضور درازمدت استعماری اش بنام سناریو های جدید و ایجاد فضای ترس و خطر برای مردم، در افغانستان مستحکم می سازد. حضور داعش نیز به همین سناریو ها بر می گردد؛ زیرا تهدید های داعش و حضور درازمدت امریکائی ها انگیزه جنگ را شدیدتر ساخته و نفرت و انزجار را در میان مردم بمیان می آورد. بدین ترتیب، کشتار دیگری بنام داعش و بنام مبارزه علیه داعش براه انداخته شده و سالهای خونینی در کمین مردم افغانستان نشسته است. امریکائی ها می خواهند بلائی را که بر مردم مسلمان عراق آوردند با کمی تفاوت بر سر مردم افغانستان آورده و موج دیگری از نسل کشی و به خاک و خون کشانیدن را براه بیاندازند.



شفقت اله انوری

وحدت وهمدلی مردم غور

یکی از مهمترین موضوعات امروزی که باعث پراکنده گی بین جامعه غور همچنان تکه و پارچه شدن اقوام مختلف شده در نظر نگرفتن وحدت وهمدلی است قرآن کریم در آیه ۱۳ سوره حجرات می فرماید: «ای مردم ما همه شما را از مرد و زن آفریدیم آنگاه شما را جماعتها و قبیله ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید». داکتر شریعتی ضمن توضیح آیه مذکور در قسمتی از آن می گوید: «وضع ملیتها را همچون خلق به خود نسبت می دهد یعنی که وجود ملت های مشخص و مستقل یک واقعیت طبیعی در خلقت است و یک فرضیه فلسفی یا قرارداد سیاسی یا وهمی در اندیشه و احساس نیست پس با بیان مطلب فوق و بسیاری مطالب از این قبیل آشکار می گردد که مقصود از وحدت وهمدلی، در همه جهات بطور اشتراکی و یکسان فکر کردن یا همه اصول و فروع هم را پذیرفتن و یا هر گروهی بخشی از اعتقادات خود را کنار گذاشتن نیست، چراکه اختلاف در تفکر و نگرش و برداشت در مسائل فکری، علمی-نه تنها منفی نیست بلکه اولاً نشان دهنده آزاد اندیشی و آزادی فکر ثانیاً پیشرفت و ترقی منوط به آن است. منظور از وحدت وهمدلی با وجود به رسمیت شناختن اختلاف نظر و دیدگاه پذیرفتن اینکه هر کس حق تفکر و تعقل دارد و حقوق انسانی و اعتقادی حیاتی و اجتماعی یکدیگر را ارج بنهد و به دلیل اینکه دیگری متفاوت فکر می کند او را ضایع نساخته و اتهام ها، لعن ها، دروغ ها و دشنام ها را نصیب دیگری ننماید و حق را در انحصار خویش قرار ندهد و دیگری را تکفیر و تسبیح نکند.

حال با عنایت به تاکید قرآن کریم و انبیاء عظام و سیره همچنین خلفا و بزرگان اهل علم و اندیشه و تفکر و عرفان در خصوص نگاهی انسانی به کلیت افراد صرف نظر از دین و آئین بخصوص شیعه و سنی که به قسمت هایی از آن به عنوان یکی از هزاران اشاره گردید. آیا برآستی میتوان پذیرفت یا باور نمود که تمامی این بدبینی ها، سوء ظن ها، نگاههای حقارت آمیز به یکدیگر و لعن و نفرین نثار هم نمودن ریشه در اعتقادات دینی داشته و ما به عنوان پیروی از مکتب انسان ساز و جامع و همچنین الگوهای ممتاز و حسنه خویش (که بنابر شواهد عینی تاریخ، ایشان با قدرت ایمان وسعه صدر و وسعت نظر عالمی را در اختیار می گرفتند) به چنین اعتقاد و روش و منشی نائل آمده ایم. چگونه است که حتی امروزه مدیریت ها و تفکرات بشری با استفاده از درون مایه های فطری، علمی و تعقلی خویش بسیاری از مواردی که مربوط به تعامل صحیح و رعایت حقوق متقابل و همزیستی مسالمت آمیز و غیره می گردد به نسیبه حل کرده اند. آیا این تنزل مقام و موقعیت مکتب پویا، جامع و انسان ساز اسلام و الگوهای عینی و ممتاز آنها نیست که برخی از پیروانشان نتوانند زمینه های همدلی و همسانی و وحدت و الفت را فراهم نمایند؟ پس به واقعیت نزدیک تر است اینگونه تحلیل گردد، که عاملین و تئوری پردازان اختلافات و تفرقه از سویی و قربانیان آن از سوی دیگر با وجود بهره گیری و بهره برداری فراوان از اهرمها و ابزارهای دینی و اعتقادی و تلبس به لباس عقیده و مذهب که منجر به فاصله ها، کدورت ها و کینه ها گردیده و و خسارتهای زاید الوصفی به بنیان های جوامع اسلامی در بعد مادی و معنوی و همچنین باورهای ایمانی فطری و تربیتی مردم وارد نموده، اصولاً نه با آموزه های دینی و اعتقادی اسلامی سازگاری دارد و نه با هیچ کدام از ادیان توحیدی و نه حتی با مکاتب بشری که ریشه در تعقل، تفکر و علم دارد. بلکه عوامل آن را طبق معمول و بر اساس شواهد تاریخی از سویی از جانب کسانی دانست که به جهت تسلط همه جانبه بر بلعیدن پشتوانه های اعتقاد حقیقی و کبان و سرمایه های مادی و معنوی مردم و از سوی دیگر ردائل اخلاقی، ناهنجاری های فرهنگی، احساس کمبودها، حقارتها و عدم تحلیل جامع و جهل و نادانی در واقع فاصله گرفتن از فطرت پاک و تفکر معقول و دور شده از تالو نور حقیقت دانست.

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه

چون حقیقت ندیدند ره افسانه زبند

سعدی می گوید:

بنی آدم اعضای یکدیگرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

ارتباط انترنتی بین مرد وزن

پرسش اول:

در یکی از نشست ها، در مورد گفتگوی انترنتی بین زن و مرد چنین بیان شده بود که کسی از گفته های خود در انترنت مسوول نبوده و در صحبت کردن بین مرد و زن کدام مشکلی وجود ندارد. چون انترنت بگ دنیایی مجازی است و اختلاطی سر نمی زند. آیا این سخن درست است؟ لطفاً در این باره توضیح دهید، بارک الله و فیکم.

پرسش دوم:

اسلام علیکم و رحمته الله و برکاته

آیا صحبت کردن بین جنس های مخالف در فیس بوک و ایمیل گناه دارد یا خیر؟ چون در عصر حاضر جوانان زیادی با این موضوع سر و کار دارند. **ادامه دارد ...**



نویسنده: محمد احمدی
کارشناس مسلکی ریاست حج و اوقاف

اهمیت نهال شانی از منظر اسلام

همانطوریکه همه مان میدانیم فصل اول بهار 1394 در حال فرا رسیدن است و در آستانه آغاز سال شمسی جدید قرار داریم و آمد آمد موسم بهار و تجلیگاه وحدانیت خداوند در زمین است و طبیعت پس از دوران افسرده گی زمستان، به قدرت پروردگار عالم دوباره زنده

گشته و قباب سبز به تن پوشیده و سیمای طبیعت سبز و شاداب میگردد.

بناءً برای تمام مسلمانان لازم میباشد که طبق فرمودات شریفین اسلام به زیبای طبیعت محیط خویش سهم گرفته و وجیبه دینی و وطنی خویش را ادا نماید.

خداوند میفرماید: " هوانشأکم من الارض واستعمرکم فیها" ترجمه: خداوند شما را در زمین خلق کرد و شما را به عمارت و آباد کردن زمین گماشت.

چنانچه حدیث شریف پیامبر بزرگوار اسلام فرمودند: " تحفظوا من الارض فانها امکم" ترجمه: یعنی از زمین حفاظت کنید به درستی که آن مادر شماست. همچنین حدیث دیگری داریم که بطور صراحت پیامبر "ص" در مورد نهال شانی و غرس آن تأکید دارد " وما من مسلم یغرس غریماً " ترجمه: هیچ مسلمانی نیست که بنشانند نهالی را جز اینکه آنچه از آن خورده میشود برایش صدقه است، و آنچه از آن دزدیده میشود برایش صدقه است. و هیچکس کم نمیکند مگر اینکه برایش صدقه میباشد.

در روایت دیگر نیز مذکور است که: پس مسلمانی نهالی نمی شاند که از آن انسان یا حیوان یا پرنده ای بخورد جز اینکه برایش تا روز قیامت صدقه به حساب می آید " رواه مسلم ".

در حدیث دیگری میفرماید: هفت چیز است که همیشه بطور دوامدار ثواب آن به شخص میرسد از آن جمله یکی غرس نهال میباشد.

یعنی شخصیکه یک نهال غرس و زرع میکند تمام مخلوقات خداوند اعم از پرنده گان و حیوانات از برگ و میوه آن استفاده کنند اجر و ثواب آن به شخص غرس کننده میرسد.

پس لهذا برای تمام مسلمانان بویژه شهروندان غور لازم میباشد که با فرا رسیدن بهار نو در این امر دینی و وطنی سهم گرفته و طبیعت محیط خود را پر طراوت ساخته تا یک یک فضای سبز و گوارا داشته باشیم.

ادامه ارتباط انترنتی بین مرد وزن

اگر جواب مثبت باشد، ضروری است برای حفظ جامعه از معصیت، دست به کار شویم تا جوانان به آن دچار نشوند.



پاسخ:

و علیکم السلام و رحمت و الله و برکاته

پرسش‌های شما مشابه است، بناءً بسیار اتفاق افتاده است که برای چند سوال مشابه یک پاسخ ارائه شده است. بعضی مردم در پاسخ به همچو سوالات دوست دارند دلایل فلسفی بیاورند و بیشتر به این گفته تمركز کنند که: "آیا ارتباط در فیس بوک، اختلاط تلقی می‌شود یا خیر؟" این کپ را به دلیلی می‌گویند که به تعبیر آنها انترنت یک جهان مجازی است؛ اما با شناخت واقعیت انترنت، می‌توان گفت که این استدلال يك خیال خام و باطل است!

چون آنها در بعضی موضوعات متأثر از احکام شرعی می‌باشند، اما در باره فیس بوک نادان هستند. چون فکر می‌کنند، تا زمانی که اختلاط وجود نداشته باشد، اشتباهی رخ نمی‌دهد. واضحاً از این گفته‌ها جهالت و گیجی ظاهر می‌شود.

موضوع زیاد پیچیده نیست، چون سخنی که در يك نامه از نویسنده به مخاطب نوشته می‌شود، مبین پیشامد نویسنده به مخاطب است. اگر پیشامد شخص نویسنده به مخاطب با رسیدن نامه ثابت شود، حکم مباحثه ای مستقیم بین دو شخص را می‌گیرد، و کدام تفاوتی بین نوشتن نامه با دست یا کامپیوتر ندارد. همچنان تفاوتی بین انتقال نامه رسان به مخاطب و انترنت و فیس بوک یا هر وسیله دیگر وجود ندارد. مهم به اثبات رسیدن پیشامد نویسنده به مخاطب است. تحلیل واقعیت قبل از قضاوت شرعی (تحقیق المنات) منتج به این غلط فهمی می‌شود.

بنابر این قوانین متعلق به نامه و حالت‌های مشابه به آن یکی بوده و هر کس مسوول اعمال خود می‌باشد. چنانچه پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَجَاوَزَ عَنْ أُمَّتِي مَا حَدَّثَتْ بِهِ أَنْفُسَهَا، مَا لَمْ تَعْمَلْ أَوْ تَتَكَلَّمْ»

" الله سبحانه و تعالی امت مرا به آنچه برتری داد که پیش خود می‌گویند، اما به آن عمل نکرده و در مورد با کسی سخن نمی‌زنند ".

[به روایتی از البخاری و مسلم از ابو هریره (رح) به وسیله البخاری]

افزون بر این از پیامبر الله صلی الله علیه و سلم روایت شده است که پیام‌ها را به پادشاهان و حکام فرستاد تا آنها را از اسلام آگاه سازد. این خود به اثبات می‌رساند که آگاه ساختن از طریق پیام نوشته شده عین حکم مباحثه ای مستقیم را دارد.

بنابر این، پاسخ به پرسش فوق الذکر قرار ذیل است:

1 حکم هر نوع ارتباط انترنتی چه توسط ایمیل، فیس بوک، تویتر.... باشد، یکسان است و هیچ تفاوتی با گفتار حضوری ندارد. همچنان نمی‌توان گفت که: «این دنیایی مجازی است و آن دنیایی واقعی». بلکه این به معنی فرو رفتن در نادانی و معصیت است. اگر شما کلمات زشتی را به يك زن بیگانه خواه رو به رو بگویید یا در انترنت، از طرف شریعت قابل مجازات هستید، چون کدام تفاوت بین هر دو شیوه از دید رسیدن موجود نیست. بناءً عین حکم را دارد.

چنانچه در شریعت صحبت کردن مستقیم با يك زن بیگانه بدون ضرورت حرام است، همان‌طور ارتباط در انترنت هم حرام می‌باشد. بناءً آنچه در صحبت کردن مستقیم جایز است، در مکاتبه انترنتی هم جایز می‌باشد.

2 اختلاط غیر ضروری در شریعت ممنوع است، اما نفس اختلاط حرام نیست. اگر شما زنی را که از شما دور است با الفاظ بد صدا بزنید، حرام را مرتکب شده اید؛ حتی اگر او در پهلوئی شما نباشد. اگر شما جنسی را در مارکیت به يك زن می‌فروشید و با لذت به طرف او می‌نگرید، این عمل شما حرام است، باوجود که اختلاط به خاطر تجارت کردن در مارکیت مجاز است. اگر شما يك وسیله نقلیه ای عامه را میرانید و با کلمات نادرست با يك زن که از شما دور است صحبت کردید، حتی اگر او در پهلوئی شما هم نباشد، حرام است. همین‌طور، از هر چیزی که شما در يك مکاتبه می‌نویسید، مسوول هستید، چون برابر به سخن گفتن رو به رو است.

3 ما هر مرد و زن مسلمان به ویژه جوانان کاربر در انترنت را به پابندی از قوانین شریعت با تعهد قوی دعوت می‌نمایم، که نه تنها از حرام دور شوید؛ بلکه چیزهای که احتمال نزدیک شدن به حرام است، دور شوید. چنانچه اصحاب رضی الله عنهم از اشیایی مجازی که احتمال افتادن در حرام بود دور می‌شدند

4 ما همچنان بالای هر مسلمان تاکید می‌کنیم، به خصوص جوانان کار بر در انترنت، تا با سخت‌کوشی و جدیت برای استفاده ی پر بار از آن برای ترویج اسلام در زندگی در يك راه موثر کار کنند. در عین زمان عاقل و هوشیار بوده، نه تنها از خاکسترهای ناپاک درو باشید، بلکه از خاک خاکسترهای ناپاک هم دور شوید. من از الله متعال می‌طلبم که ما را پر هیزگار و پاک‌نگهدار، تا کامیابی دنیا و آخرت را حاصل نمایم و در این امر بشارت خوش برای متقیان است.

برادر شما عطاء بن خلیل ابوالرشته



پولیس ملی

پولیس از نام اوپیداست خدمتگار وطن و مردم میباشد پولیس ملی غور شب روز در خدمت مردم بوده از جان، مال، ناموس، از خاک و وطن دفاع میکنند پولیس است که مردم بصورت آرام زنده گی میکنند شاگردان به آرامی به مکتب میروند پیشرفت و ترقی در جامعه انگشاف میکند در فضای آرام زیر یک چتر به زنده گی روزمره خود مشغول است این پولیس است که جان شیرین خود را بخاطر این وطن و مردم فدا میکند.

داستان دختر پادشاه

در زمان قدیم پادشاهی بود که هفت پسر داشت و از دختر بدش می آمد. زنتش حامله بود و پادشاه قصد سفر داشت. مسافرت های قدیم هم خیلی طول می کشید. پادشاه پسرانش را صدا زد و گفت: "من به سفر می روم اگر مادرتان پسر زایید تاج مرا سر او بگذارید و در کالسه ی زرین بنشانیدش و روزی که از سفر برگشتم به پیشواز من بیاریدش، اما اگر دختر بود اورا بکشید و خونس را داخل شیشه ای بریزید و موقع بازگشت من بالای دروازه آویزان کنید تا من آن را بخورم." چند ماهی از سفر پادشاه گذشت. زن پادشاه دختر بدش را آورد. پسرها بنا به دستور پادشاه آمدند تا خواهرشان را ببرند به کشتن. اما هر کدام که می آمدند دخترک لبخند می زد و آن ها هم دلشان نمی آمد او را بکشند. برادرها سردابی (خانه زیرزمینی) در زیر زمین کردند و خواهرشان را با دایه به سرداب فرستادند. آنوقت کیوتری را کشتند و خونس را در شیشه ریختند و بالای دروازه آویزان کردند. شاه هم از سفر آمد و شیشه ی خون را سر کشید. هفت سال از این ماجرا گذشت. دخترک بزرگ شده بود. روزی اشعه ی خورشید از سوراخی به سرداب تابیده بود. دخترک فکر کرد که یک سکه ای روی زمین افتاده. دست دراز کرد که آن را بردارد ولی



نتوانست. از دایه اش پرسید دایه گفت: "خترم ما بیرون از این سرداب آفتابی داریم، مهتابی داریم، سایه ای داریم" خلاصه برای او از دنیای خارج حرف زد. دخترک پس از شنیدن حرف های دایه اش گفت: "من میخوام دنیای خارج و آفتاب و مهتاب را ببینم" دایه گفت: دخترم! تو باید صبر کنی تا برادرهایت بیایند برات کالسه ی زرین و کفش طلا بیاورند و ترا به گردش ببرند" دخترک قبول کرد. برادرها آمدند و کفش طلا و کالسه ی زرین آوردند و دخترک را به گردش بردند، وقتی در باغ مشغول گردش بودند یک مرتبه پادشاه از دور نمایان شد و برادرها از ترس شان دخترک را بغل کردند و بردند داخل سرداب. پادشاه که از دور شاهد این قضیه بود فهمید که آن ها چیزی را از او پنهان می کنند. آنوقت همه شان را احضار کرد و گفت: "اگر راستش را نگویید که چه چیزی را از من پنهان کردید همه تان را جزا میدهم. اما اگر راست بگویید از سر تقصیرتان می گذرم" برادرها شروع کردند زیر لب چیزی گفتن و من من کردن. ولی زن پادشاه که طاقت شکنجه و درد و رنج را نداشت حقیقت را مو به مو تعریف کرد. پادشاه غضبناک شد و گفت: "جلاد! فوراً زن و دختر و پسرهای من را ببر به بیابان و رهایشان کن تا از گرسنگی بمیرند و طعمه ی گرگان شوند" جلاد هم فوراً دستور شاه را اطاعت کرد. مدت ها گذشت شاه از این موضوع خیلی رنج می برد و از کار خود پشیمان بود. روزی برای شکار به بیابان رفت، یکمرتبه چشمش به یک گل بزرگ و مقبولتر از دیگران بود، افتاد که در میان هشت گل دیگر بود. خواست گل را بگیرد که یک دفعه این صدا به گوشش رسید که می گفت: "بابا که مرا اخراج کرد به نیمه نان محتاج کرد. گل ندهی گل ندهی" پادشاه متحیر شد و خواست دوباره آن را بچیند ولی باز هم شنید که گل میخواند: "بابا که مرا اخراج کرد به نیمه نان محتاج کرد" پادشاه فهمید که این گلها زن و بچه ها و دخترش هستند که به شکل گل درآمده اند خیلی گریه وزاری کرد ولی فایده ای نداشت. آنوقت به خاک افتاد و خدا را سجد کرد و از خدا طلب بخشایش کرد و به قدرت پروردگار یکمرتبه گل ها به شکل زن و بچه و دخترش در آمدند و دورش حلقه زدند. پادشاه خیلی خوشحال شد و همه با هم باخوشحالی به سمت قصر پادشاهی حرکت کردند. آنها رفتند داخل قصر و من هم برگشتم و آمدم.

عاطفه "شریفی" محصل سال چهارم تعلیم و تربیه غور

و لسوالی شهرک

خطر تهدید شهرک توسط گروه های متعدد افراطی که از قبل و جدید به فعالیت های مخرب و چالش زاه آغاز کردند ، و زندگی مردم از ابعاد متعدد به خطر مواجه است ، و امروز مردم شهرک سختترین درد ها را تحمل میکنند، مردم که در اطراف شهرک زندگی میکنند ، قربانی های بی شماری از قبیل اولاد های شیرین خود ، پدران و مادران دلسوز و برادران و اقوام خود را به اثر این مشلات قومی و جنگ های هرروزکه دامنگیر آن مردم است از دست دادند و این چالش ها هر روز بیشتر شده میروند .

ولسوالی شهرک یکی از جمله واحد های اداری ولایت غور میباشد ، که از لحاظ مساحت و نفوس نیست به دیگر واحد های اداری غور از معیار بیشتر برخوردار



بسم تعالی

معرفی مختصر شاعر:

عبدالظاهر کمالزی فرزند احمد کمالزی فرزند ارباب کمال در سال 1347 (هجری شمسی) در قریه دهنای ولسوالی تیوره ولایت غور در یک خانواده سنتی و اهل علم و دانش دیده به جهان گشوده و فعلاً باشنده فیروزکوه مرکز غور میباشد.

وی تحصیلات خویش را الی صنف چهاردهم رشته زبان و ادبیات دری دارالمعلمین عالی غور به اتمام رسانیده است.

این هم پیام و شعر جناب کمالزی

برای محبان که آتش قلب شان درراه وحدت واخوت همیشه شعله ور بوده ودرروشنای اش گام مثبت میگذارند.

اخسوت و هممدلی

بیای ای نورچشم وحدت پپا کن زخودبگنربه یاران شب صبا کن به ریسمان وحدت هرجاگذار دست شعار حکم قرآن را بجا کن اساس هرمرادی را به وحدت ببین ای دوست به آن جان رافداکن به وحدت راست برو راستی عمل کن به اخلاص تا ابدآخر وفا کن کجاوحدت به جزء مقصود شودراست بیایا بجزءوکل یکجا ادا کن بیایا بدوست ببین این قلب مجروح شنو آه و فغان دردم دوا کن گراف این و آن در روز میدان بیاد آور یکا ویک را جدا کن مرو تنها که منزل دورو سخت است به وحدت سرگذار، ترک ازجفا کن زاغیبار دل بشوی بسا بارسفرکن غرورو تنگ و عزت رابجا کن به گلزار وحدت دایم کمالزی نشین با یار ودوستانت دعنا کن

است ، در این مدت سیزده سال تعدادی از جوانان آن مصروف تعلیم و تربیه بودند ، که در این سال های اخیر با کمال تاسف درسطح شهرک از آمار بی شماری ناامنی و چالش های متعدد گرفتار است ، امروز دولت به دو کیلو متری ولسوالی شهرک حاکمیت ندارد ، گروه های متعدد در اطراف شهرک که موازی با دولت ، حاکمیت دارند ، و از خود محاکم عدلی و قضای که دور از منطق و فهم و برداشت های انسانی که وابسته به ظلم استبداد تهدید و قارتگری است که به خاطر بدست آوردن پیسه ، قضایای مردم را طبق میل خود حل و فصل میکنند ، و برج به برج بالای مردم که به نان شب خود محتاج هستند ، پیسه جمع آوری میکنند که به سلاح و تجهیزات که برای جنگ کردن لازم دارند میخرند، و هر روز درگیر جنگ های قومی هستند و مردم که در آن دیار زندگی میکنند مشکلات زیاد را تحمل پذیر هستند ، و دولت هم هیچ اقدام و حرکت را در طول این سال های متمادی از خود نشان نداده ، امروز بیشترین مهاجرین که از غور به هرات رفتند از شهرک میباشد چون از لحاظ امنیتی مردم آن دیار به یک آرامش نسبی بسر نمیبرند ، و حتا امروز یک تعداد زور مندان و تفنگ سالاران که در آن دیار هستند ، دست به ناموس و مال و اموال مردم میزنند دختر های جوان مردم را آنها به زور به عساکر خودبه نکاح در میاورند تعدادی را هم به زور از خانه های شان فرار میدهند ، و حتا از معاش معلمین که در اطراف شهرک وظیفه دار هستند ، معاش آنها را هم به سر خود تقسیم میکنند ، هر روز مردم شهرک در حالت نابسامان بسر میبرند ، به گفته باشنده گان شهرک روز بروز گروه های افراطی که از بیرون و داخل تقویه میشوند بشتر شده میروند ، باید دولت اقدام های جدی را روی دست بگیرد تا مردم که در آن موقعیت جغرافیای غور زندگی میکنند آنها هم بتوانند مدتی را از مزایای صلح وثبات و آشتی و برادری و آرامش، تقریباً نسبی ر ابرس برند .

گزارشگر: عبدالحکیم صدی

فریاد غور

ماهانامه

تیراژ : 1000 شماره

صاحب امتیاز: شورای انسجام امور جوانان غور

مدیر مسئول : عاطفه شریفی

سر دبیر : شاه محمود شهاب ۰۷۹۷۳۳۳۸۹

خبرنگار : عبدالحکم صدی ، پروانه صدی ، نجم الدین ساجدی ، احمد شاه موحب ۰۷۹۷۳۳۳۸۹

دیزاین : انوری

هیئت تحریر: غلام ربانی هدفعند، عبدالواسع صمیم ، گل محمد ملاریق، محمد سالار هاشمی، محمد اله منیر، آمنه وکیلی

گروه پخش : نثار احمد احمدی ، عبدالرحمن رسولی، حلیمه اسحاق زی.

ارتباط عامه یا بازاریابی: عبدالروف سانس.



www.facebook.com/faryad.ghor



www.faryad.ghor.lxb.ir



faryad.ghor@gmail.com